سرد شدن تنور مرغ همسایه‌ها

(صفحهٔ نخست در اعتراضات 2)

امید صفایی‌نژاد، ۲۸ ساله، از ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در کارگاه نانوایی تنور مرغ همسایه‌ها در خیابان شهید رجایی‌فر کار می‌کرد. او ۱۷ سال پیش از روستای کهنه‌ده به شهر آمده بود. در ۲۵ مهر ۱۴۰۱ تنور را خاموش کرد و دیگر روشن نکرد. این گزارش روایت ۱۴ روز اول بعد از آن روز است.

صفایی‌نژاد در ۲۵ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۵:۴۰ صبح وارد کارگاه شد. او می‌خواست خمیر شب قبل را برای نوبت اول آماده کند. وقتی در را باز کرد، دید که تنور هنوز گرم است. یکی از شاگردها، که ساعت ۴ رسیده بود، گفته بود که برق ساعت ۳ قطع شده و دوباره وصل نشده است. صفایی‌نژاد گفت که تنور گرم بود، اما نه آن‌قدر که نان بپزد. او ۴۰ کیلو خمیر آماده داشت که اگر تا ۷ صبح نمی‌پخت، فاسد می‌شد.

او به مغازه‌های اطراف سر زد و از همسایه‌ها پرسید که آیا برق آن‌ها هم قطع است یا نه. پاسخ‌ها متفاوت بود. برخی گفتند برق دارند، برخی گفتند ندارند. صفایی‌نژاد گفت که در آن لحظه نمی‌دانست که قطعی فقط مربوط به یک فیدر است یا کل شبکه. او تصمیم گرفت که تا ۷ صبح صبر کند. اگر برق وصل می‌شد، نان را می‌پخت. اگر نه، خمیر را دور می‌ریخت.

برق ساعت ۶:۱۵ صبح وصل شد. صفایی‌نژاد گفت که تنور به دمای مناسب رسید و او توانست نان را بپزد. اما از آن لحظه به بعد، هر روز با مشکل روبه‌رو شد. گاهی برق ۲ ساعت قطع بود، گاهی ۵ ساعت. او گفت که نمی‌توانست برنامه‌ریزی کند، چون نمی‌دانست قطعی چه زمانی رخ می‌دهد. در ۱۴ روز اول، برق ۹ روز قطع بود.

صفایی‌نژاد در ۱۴ روز اول، ۶ بار با شرکت توزیع برق تماس گرفت. او گفت که هر بار پاسخ متفاوتی شنیده است. یک بار گفتند که مشکل از ترانسفورماتور است. بار دیگر گفتند که کابل زیرزمینی آسیب دیده است. او گفت که هیچ‌کس از قبل به مشتری‌ها اطلاع نداده بود. او فهرست مشتری‌هایش را از دفتر قدیمی بیرون آورد و شروع کرد به تماس گرفتن. بسیاری از آن‌ها شماره‌شان عوض شده بود.

او گفت که ۱۱ مشتری دائمی را از دست داده است. برخی از آن‌ها به نانوایی‌های دیگر رفته‌اند و برخی دیگر گفته‌اند که تا برق پایدار برنگردد، سراغ او نمی‌آیند. صفایی‌نژاد گفت که این مشتری‌ها برای او فقط عدد نیستند. او نام و آدرس بسیاری از آن‌ها را می‌شناسد. برخی از آن‌ها ۱۰ سال است که نان او را می‌خرند